

مطالعه کیفی پیامدهای ارتباط با جنس مخالف در میان نوجوانان دختر و پسر (مطالعه موردی: نوجوانان شهر مشهد)

فردین محمدی^۱

حسین محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۱۵

چکیده

امروزه شواهد نشان می‌دهد رابطه عاطفی با جنس مخالف، از قشر جوانان به قشر نوجوان تسری یافته است و گروه زیادی از نوجوانان، رابطه اجتماعی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که نوجوانان شهر مشهد پیامدهای رابطه با جنس مخالف را چگونه تجربه می‌کنند و آیا تجربه پیامدها، در میان نوجوانان دختر و پسر یکسان است. در این پژوهش، پیامدهای تجربه نوجوانان در ارتباط با جنس مخالف در شهر مشهد مطالعه می‌شود. بدین منظور، از رویکرد برساختی - تفسیری و از روش مردم‌نگاری و تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. همچنین برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، روش نمونه‌گیری هدفمند و برای تعیین حجم نمونه، اشباع نظری به کار گرفته شد. نتایج بیانگر آن است که نوجوانان پیامدهای رابطه با جنس مخالف را به اشکال مختلف مانند مشکلات آموزشی، درگیری فضای ذهنی، لذت عاطفی، لذت جنسی، وابستگی، تنوع‌طلبی، میل به مجرد، ترس از ازدواج و بازاندیشی تجربه می‌کنند. برخی از این پیامدها، در نوجوانان دختر و پسر متفاوت است. تجربه پیامدهای مختلف و متناقض سبب شده است که نوجوانان براساس تجربه و اطلاعات ناشی از آن، به بازاندیشی این رابطه بپردازند و راهبردهای جدیدی را در این زمینه اتخاذ کنند. این راهبردها در نوجوانان دختر و پسر با یکدیگر تفاوت دارد. واژه‌های کلیدی: تجربه نوجوانان، رابطه با جنس مخالف، کشف پیامدها، مقایسه پیامدها.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

fardin.mohammadi1@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، Hosaeinmohammadi@gmail.com

مقدمه

در سده اخیر در ایران، بر اثر تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از فرایند نوسازی، حوزه روابط اجتماعی دستخوش تغییر و تحولات گسترده‌ای قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین تغییرات در این حوزه، برقراری رابطه اجتماعی جوانان با جنس مخالف به صورت گسترده و نامتعارف است. چنین پدیده‌ای در دهه‌های گذشته (پیش از انقلاب)، فقط میان اقشار مرفه شهر، آن هم در شهرهای بزرگ به طور محدود جریان داشت، اما پس از انقلاب، با تأکید بر ارزش‌های اسلامی، چنین روابطی نفی شد. در اوایل دهه هفتاد، هم‌زمان با دگرگونی‌های ساختی مانند گسترش شهرنشینی، صنعتی‌شدن، افزایش میزان سواد، مشارکت زنان در اجتماع و گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی، این پدیده بار دیگر از بطن تعامل اجتماعی جوانان پدید آمد (موحد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

با وجود اینکه روابط اجتماعی جوانان پیش از ازدواج در ایران، برخلاف هنجارهای سنتی، مذهبی و فرهنگی است، برخی شواهد در سال‌های اخیر، بر روند افزایش این‌گونه روابط در میان جوانان دلالت دارند. شواهد و نتایج تحقیقات در این زمینه بیانگر آن است که بیش از نیمی از دختران دانشجوی در تهران، پیش از ازدواج تجربه رابطه و دوستی با جنس مخالف را داشته‌اند و حدود یک‌چهارم نیز تماس جنسی را پیش از ازدواج تجربه کرده‌اند. همچنین در تهران، بین ۲۰ تا ۶۰ درصد افراد گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال، اغلب به طور پنهانی و بدون رضایت خانواده، ارتباط عاطفی و رابطه فیزیکی و جنسی برقرار می‌کنند. درمورد افراد متأهل نیز نتایج پژوهش‌ها درباره دانشجویان شهر تهران که به تازگی متأهل شده‌اند، نشان می‌دهد ۴۷/۷ درصد از زنان و ۴۸/۷ درصد از مردان روابط عاطفی و ۱۱/۶ درصد از زنان و ۲۰/۳ درصد از مردان روابط فیزیکی و جنسی را پیش از ازدواج تجربه کرده‌اند (خلج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸-۱۲).

رابطه با جنس مخالف، هم برای فرد و هم برای جامعه پیامدهای متعددی دارد. یکی از پیامدهای محتمل روابط با جنس مخالف پیش از ازدواج، افزایش میانگین سن ازدواج است؛ به طوری که میانگین سن ازدواج دختران و پسران در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۲۲/۴ سال و ۲۵/۶ سال بود، اما در سال ۱۳۹۰ به ۲۳/۴ سال و ۲۶/۷ سال و در کلان‌شهرهایی مانند تهران به ۲۴ سال و ۲۸ سال رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). از دیگر پیامدهای رابطه با جنس مخالف پیش از ازدواج، کاهش تمایل به ازدواج و افزایش احتمال تجرد قطعی است. در این راستا شواهد نشان می‌دهد تجرد قطعی در مردان و زنان، به ترتیب از ۱/۱ درصد و ۲ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۱/۶ درصد و

۳/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و در سال ۱۳۹۰ در شهرهای کل کشور، این آمار به ترتیب در زنان و مردان به ۸ درصد و ۵ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه بیانگر آن است که این پدیده از بدو پیدایش مجدد، به لحاظ کمی و کیفی تغییر زیادی یافته است. منظور از تغییرات کیفی آن است که رابطه با جنس مخالف به شکل‌های مختلفی بازتولید شده است که می‌توان به روابط هم‌خانگی، ضدعاشقانه (الگوهای مدرن) و روابط مبتنی بر عشق سیال (الگوی پسامدرن) اشاره کرد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۸). منظور از تغییرات کمی نیز آن است که برخلاف گذشته که جوانان فقط با یک نفر رابطه داشتند، اکنون با چندین نفر (هم‌زمان یا طی دوره‌ای) رابطه جنسی دارند. در این راستا شواهد نشانگر آن است که از میان دانشجویان مجرد شهر تهران، ۳۵ درصد فقط یک رابطه، ۳۶/۵ درصد دو یا سه رابطه و ۲۸/۳ درصد بیش از سه رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند (خلج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲) و حدود ۲۱ درصد از پسران مجرد و ۱۴ درصد از دختران مجرد، تجربه رابطه فیزیکی و جنسی داشته‌اند (همان: ۱۳).

نکته حائز اهمیت آن است که پویایی این پدیده همچنان ادامه دارد؛ به طوری که دامنه نفوذ این پدیده اجتماعی به رده‌های سنی پایین‌تر از جمله نوجوانان گسترش یافته است. با توجه به اینکه گروهی از نوجوانان دختر و پسر شهر مشهد چنین روابطی را تجربه کرده‌اند، مسئله مورد بررسی این مطالعه آن است که نوجوانان شهر مشهد، پیامدهای رابطه با جنس مخالف را چگونه یا به چه اشکالی تجربه می‌کنند و چه تفاوتی در تجربه این پیامدها در میان نوجوانان پسر و دختر وجود دارد؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، درک و تفسیر تجربه نوجوانان از پیامدهای رابطه با جنس مخالف است.

پیشینه تجربی پژوهش

در جوامع غربی، به دلیل زمینه‌های خاص فرهنگی و اجتماعی خاص، به پیامدهای اجتماعی رابطه دوستی با جنس مخالف در زندگی نوجوانان، کمتر توجه شده و به جای آن بیشتر به پیامدهای پزشکی مانند بیماری ایدز توجه صورت گرفته است (شیو^۱، ۲۰۱۰). در ادامه، به مهم‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه اشاره می‌شود. براون^۲ و همکاران (۲۰۰۶) نقش و پیامد هم‌خانگی پیش از ازدواج را بر زندگی جوانان متأهل بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که این روابط، پیامدهای

زیان‌آوری مانند کاهش کیفیت زندگی، بی‌ثباتی و طلاق در پی داشته است. پژوهش الکساندر^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نیز نشان داد بسیاری از جوانان در رابطه با جنس مخالف راهبردهای تقریباً یکسانی مانند رابطه به‌خاطر داشتن شریک عاشقانه، تجربه دست‌گرفتن، بوسیدن و داشتن رابطه جنسی را در پیش گرفته‌اند. از دیگر نتایج این پژوهش آن بود که شکل دوستی با جنس مخالف، به روابط صمیمانه فیزیکی منجر می‌شود. نتایج تحقیق گیو^۲ و همکاران (۲۰۱۲) و قانی^۳ و همکاران (۲۰۱۴) نیز بیانگر آن است که اگرچه رابطه با جنس مخالف، با ارزش‌ها و هنجارهای جوامع غربی مغایرت ندارد، پیامدهای آن از قبیل افزایش تعداد فرزندان نامشروع، والدین مجرد، فرزندان بی‌سرپرست و تک‌سرپرست و خطر ابتلا به بیماری ایدز، موجب نگرانی این جوامع شده است.

از میان تحقیقات داخلی نیز نتایج تحقیق پیمایشی موحد و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که بیشتر دانشجویان نسبت به داشتن رابطه با جنس مخالف نگرشی میانه دارند. همچنین مطابق یافته‌ها، از میان متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای فرهنگی تأثیر بیشتری بر نگرش دانشجویان دارند. خلیج‌آبادی فراهانی و مهریار (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیدند که حدود نیمی از دختران، دوستی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند و در بین این گروه، کمتر از یک‌چهارم تا حدودی تجربه تماس جنسی و حدود یک‌دهم تجربه نزدیکی کامل جنسی داشته‌اند. آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰) الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران را در قالب روابط آزاد (الگوهای روسپیگری)، روابط صیغه‌ای، روابط دوست‌دختر- دوست‌پسر، روابط هم‌خانگی (پیدایش مجردان متأهل)، روابط ضدعاشقانه (الگوهای فریب) و روابط مبتنی بر عشق سیال را دسته‌بندی کردند. در پژوهشی دیگر، آزاد ارمکی و شریفی ساعی (۱۳۹۰) رابطه جنسی پیش از ازدواج را در میان جوانان ایرانی با استفاده از رویکرد کیفی بررسی کردند. نتایج نشان داد مسائلی مانند احساس نیاز، حس کنج‌کاری و کسب تجربه، شبکه روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی سوژه، بیکاری، شرایط اقتصادی، فشار فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش فناوری‌های ارتباطی و تغییر ارزش‌های فرهنگی در جامعه، از جمله مهم‌ترین عوامل پیدایش و گسترش این روابط هستند. رفاهی و همکاران (۱۳۹۱) نیز عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران را به روش پیمایشی مطالعه کردند. مطابق نتایج، عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی، بر

1. Alexsnder
2. Gue
3. Ghani

شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج تأثیر معنادار دارند. پیمایش شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱) نشان داد گرایش به رابطه پیش از ازدواج، با درآمد خانواده، تحصیلات پدر و سن فرد رابطه مستقیم و با سطح دینداری، روابط حسنه با والدین و معدل دانشگاه رابطه معکوس دارد. بررسی پیشینه تجربی تحقیق، بیانگر آن است که بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، سه ویژگی مشترک دارند که عبارت‌اند از:

- تبیین عوامل مؤثر بر رابطه دختران و پسران پیش از ازدواج؛
- تأکید بر دوره جوانی؛
- استفاده از روش پیمایشی.

این نتایج نشانگر غلبه نوعی رویکرد اتیک^۱ (نگاه از بیرون) به مسئله مورد نظر است. درحالی‌که در پژوهش حاضر، محققان با رویکرد امیک^۲ (نگاه از درون) به پیامدهای مسئله مورد نظر می‌پردازند و به‌جای دوره جوانی، بر دوره نوجوانی تأکید می‌کنند.

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر شامل نظریه‌های عشق سیال زیگموت باومن، نظریه اشکال کنش ماکس وبر، نظریه مبادله و نظریه بازاندیشانه گیدنز است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

نظریه عشق سیال زیگمونت باومن: باومن^۳ در عشق سیال معتقد است در دنیای امروز، «رابطه» از داغ‌ترین بحث‌هاست و از این پیوندها با عنوان «عشق سیال»^۴ نام می‌برد. وی معتقد است در عصر حاضر، زنان و مردان به‌شدت محتاج به «ایجاد رابطه» هستند، اما درعین‌حال از این مسئله هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهای متعدد کند و به سلب آزادی آن‌ها منجر شود. از نظر وی، انسان‌های امروزی رابطه می‌خواهند، اما فقط با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش. در جامعه سیال مدرن، افراد هیچ‌گونه پیوند ناگسستنی و همیشگی ندارند و خواهان پیوندهای سست و بی‌قیدوبند هستند. افراد در جامعه سیال مدرن، رابطه را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و به دلایل سوداگرایانه مانند کمک فوری در هنگام نیاز، یاری در هنگام اندوه، همراهی در تنهایی، تسلی در هنگام شکست، تحسین در هنگام پیروزی، فرار از ناراحتی و ارضای سریع یک نیاز مانند نیاز جنسی با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه، انتظار منفعت دارند،

1. Etic
2. Emic
3. Bauman
4. Liquid Love

اما وی معتقد است که سرمایه‌گذاری در رابطه خطرناک است؛ زیرا یک رابطه، هم دارای جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی است و نمی‌توان آن را تنها تا زمانی خواست که برای فرد مطبوع باشد. اغلب، این جنبه‌های خوب و بد هم‌زمان در رابطه وجود دارند (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰-۳۷).

نظریهٔ ماکس وبر: وبر^۱ بر این باور بود که علاوه بر تبیین ساختاری باید به کنش‌های مبتنی بر معانی ذهنی افراد نیز توجه کرد. از نظر وبر، کنش‌های اجتماعی افراد که مبتنی بر انگیزه‌ها و معانی ذهنی هستند، سبب دگرگونی اجتماعی می‌شوند. به همین دلیل، او چهار نوع کنش اجتماعی را براساس انگیزه و معانی ذهنی تفکیک کرد: ۱. کنش سنتی، ۲. کنش عاطفی، ۳. کنش عقلانی معطوف به ارزش و ۴. کنش عقلانی معطوف به هدف (کوزر، ۱۳۸۶: ۳۰۰). وبر بر این باور بود که بین این چهار نوع کنش و دگرگونی‌های اجتماعی قرابت معنایی وجود دارد و در جامعه، همواره ترکیبی از این چهار نوع کنش وجود دارد، اما همواره یکی از این کنش‌ها بر بقیه غلبه دارد و دگرگونی‌های اجتماعی نیز با این کنش‌های اجتماعی قرابت دارند (کیویستو، ۱۳۸۵: ۸۳؛ کوزر، ۱۳۸۶: ۳۰۰-۳۱۲)؛ برای مثال، نوع کنش با نوع جامعه، نوع اقتدار، نهادهای اجتماعی و نوع نهادها رابطه دارد. وبر معتقد است که در جامعهٔ مدرن، کنش افراد مبتنی بر عقلانیت معطوف به هدف است و افراد در تعامل اجتماعی با دیگران، براساس دستیابی به اهداف شخصی خود به کنش می‌پردازند. ویژگی‌های کنش عقلانی معطوف به هدف عبارت است از: محاسبه‌پذیری، کارایی، پیش‌بینی‌پذیری، کسب سود، عقلایی‌کردن سازمان کار و افزایش حجم تولید (پاشا، ۱۳۸۶: ۹۱).

نظریهٔ مبادله: نظریهٔ مبادله، رابطه با جنس مخالف خارج از چارچوب و قواعد پذیرفته‌شدهٔ فرهنگی را به‌عنوان یک مبادله بین دو جنس در نظر می‌گیرد. مطابق این نظریه، محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد (خواه اجتماعی و خواه فیزیکی) از رفتار تأثیر می‌پذیرد و آن هم به‌نوبهٔ خود به روش‌های گوناگون بازخورد دارد. این واکنش (مثبت، منفی و خنثی) بر رفتار بعدی کنشگر اثرگذار است. اگر این واکنش برای کنشگر پاداش داشته باشد، احتمال دارد همان رفتار در آینده در موقعیت‌های مشابه تکرار شود، اما اگر این واکنش برای کنشگر، آسیب، تنبیه یا پیامد منفی داشته باشد، احتمال تکرار آن کاهش می‌یابد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۲۳۶)؛ بنابراین، در نظریهٔ مبادله، رفتار انسان شبیه مدل‌های اقتصاد و سود و زیان در بازار است؛ یعنی انسان‌ها خواهان حداکثر پاداش و حداقل هزینه هستند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷؛ اسکیدمور، ۱۳۸۵).

رویکرد مدرنیسمون بازاندیشانه گیدنز^۱ بر این باور است که خصیصه اصلی مدرنیته کنونی، نه استقبال از چیزهای نو به دلیل نبودن آن‌ها، بلکه فرض بازاندیشی^۲ در همه چیز، اعم از نهادها، پدیده‌ها، دانش و تمامی جوانب زندگی انسانی است. در این رویکرد، بازاندیشی در عرضه نهادها و هویت، خطرها و پیامدهای ناخواسته به‌کارگیری عقلانیت ابزاری، در ساخت‌ها، مسائل زیبایی‌شناختی و اجتماع و مهم‌تر از همه در نظریه‌ها، مفاهیم، تصورات و پیش‌فرض‌هاست. به‌زعم گیدنز، بازاندیشی به‌معنای حساسیت و تأثیرپذیری حوزه‌های فعالیت اجتماعی و همچنین تجدیدنظر مداوم در روش‌ها و نگرش‌ها براساس اطلاعات یا دانش‌های نوین است و سبب دگرگونی در خصلت پدیده‌ها و کنش‌های انسانی می‌شود. از نظر وی، بازاندیشی در سه عرصه کلی نهادی، دانش و هویت صورت می‌گیرد:

بازاندیشی نهادی: از نظر گیدنز، بازاندیشی در نهادها منشأ بهره‌وری است؛ زیرا درصدد تصحیح خطاها و خطرهای ایجادشده در فرایند فعالیت نهادهاست.

بازاندیشی در دانش: از منظر گیدنز، «فرایند بازاندیشی جامعه مدرن، پایه‌های یقین علمی را حتی در هسته‌ای‌ترین زمینه‌های علوم طبیعی سست کرده است. علم نوین، نه به انباشت استقرایی دلایل و مدارک، بلکه به اصل اساسی شک بنیادین وابسته است.» علم مدرن، خصلتی نقادانه و بازاندیشانه دارد.

بازاندیشی هویت و خود: به‌زعم گیدنز، در عصر مدرن، هویت‌های شخصی به‌صورت رفتارهایی جلوه‌گر می‌شوند که به‌طور بازاندیشانه به‌وجود می‌آیند. «در مدرنیته متأخر، بدن تقریباً به‌طور کامل مورد تعرض فناوری جدید و اشکال بازتابی دانش و معرفت مثل رژیم‌های غذایی قرار دارد» در این فضا، بازاندیشی تا ژرفای خود آدمی نیز امتداد می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۰۸-۱۱۵).

روش‌شناسی پژوهش

انتخاب روش تحقیق در گردآوری و تحلیل داده‌ها، به مسئله و اهداف آن بستگی دارد. در پژوهش حاضر، به‌منظور دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف تحقیق از روش کیفی مردم‌نگاری^۳ و برای گردآوری داده از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. همچنین انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری

1. Giddens
2. Reflexivity
3. Ethnography

هدفمند و گلوله‌برفی و تعیین حجم نمونه با استفاده از معیار اشباع نظری^۱ انجام گرفت. اشباع نظری به این معناست که در فرایند گردآوری داده‌ها، هیچ داده جدیدی پیدا نشود که به وسیله آن بتوان ویژگی‌های مقوله را توسعه داد؛ به طوری که به تدریج محقق مطمئن می‌شود که مقوله‌های او اشباع شده‌اند و از جست‌وجو برای دستیابی به داده جدید و تنوع داده دست می‌کشد (گلاسر و استروس، ۱۹۶۷: ۶۱). برای تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل تماتیک^۲ استفاده شد. تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با هدف بررسی اینکه داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل، به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد (محمدپور، ۱۳۸۹). در این تکنیک، از فرایند کدگذاری باز برای مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی داده‌ها استفاده شد (استروس و کوربین، ۱۳۹۱: ۶۴). محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، شهر مشهد است و پس از انجام دادن ۳۵ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد، اما به منظور اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا ۴۳ نفر ادامه یافت. دروازه‌بانان خبری^۳ این تحقیق، نوجوانان دختر و پسری هستند که رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، نوجوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله‌اند. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد، از دو تکنیک متعارف و مرسوم استفاده شد که عبارت‌اند از:

۱. کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این تکنیک، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درمورد صحت آن‌ها نظر دهند.
۲. مقایسه‌های تحلیل: در این تکنیک، به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل ۴۳ نفر از نوجوانان دختر و پسر شهر مشهد است که تجربه رابطه دوستی با جنس مخالف را داشته‌اند. به لحاظ سن نیز دامنه سنی نوجوانان پسر بین ۱۵ تا ۱۹ سالگی قرار دارد که بیشتر آن‌ها ۱۷ سال دارند. در میان نوجوانان دختر، دامنه سنی بین ۱۴ تا ۱۹ سالگی است و بیشتر آن‌ها در سن ۱۶ سالگی قرار دارند. همچنین نتایج آماری بیانگر آن است که به طور میانگین، در میان مشارکت‌کنندگان، هر نوجوان پسر با چهار نفر از جنس مخالف رابطه دوستی

برقرار کرده است و ۹۶ درصد از پاسخگویان پسر (مشارکت‌کنندگان) تماس جسمی و ۳۰ درصد نیز رابطه جنسی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند. در میان نوجوانان دختر نیز به‌طور میانگین هر دختر با ۳ نفر از جنس مخالف رابطه برقرار کرده است و ۸۵ درصد از پاسخگویان دختر (مشارکت‌کنندگان) تماس جسمی و ۱۰ درصد نیز رابطه جنسی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند.

داده‌ها و یافته‌ها

به‌طورکلی، در مرحله کدبندی باز ۳۸ مفهوم استخراج شدند و در قالب ۱۱ مقوله عمده قرار گرفتند که عبارت‌اند از: درگیری فضای ذهنی، مشکلات آموزشی، وابستگی، تنوع‌طلبی، منزلت اجتماعی، آرامش عاطفی، لذت جنسی، میل به تجرد، ترس از ازدواج و بازاندیشی.

جدول ۱. مفاهیم اولیه و مقوله‌ها

جنسیت	مفاهیم اولیه	مقوله عمده	فراوانی
نوجوانان پسر	تأخیر، غیبت، افت تحصیلی، مردودی، حواس‌پرتی	مشکلات آموزشی	۱۶
	دغدغه ذهنی درمورد رابطه با جنس مخالف، دغدغه ذهنی درمورد جنس مخالف در کلاس، خانه، عروسی و مهمانی	درگیری فضای ذهنی	۱۷
	وابستگی به رابطه، سیرشدن از رابطه، ضرورت ارتباط	وابستگی	۱۷
	دوست‌دخترهای متعدد، رابطه کوتاه با جنس مخالف	تنوع‌طلبی	۱۵
	قدرت، احترام، نفوذ	منزلت اجتماعی	۱۸
نوجوانان دختر	احساس شادی، احساس لذت، احساس آرامش	آرامش عاطفی	۱۹
	ارضای جنسی	لذت جنسی	۱۶
	غیرت، بی‌اعتمادی، ترس از خیانت، سرافکنندگی	میل به تجرد	۱۵
	ارتباط متعادل (ترکیب روابط جنسی و عاشقانه)، رابطه جنسی صرف، جایگزینی، سرگرمی، تعدد دوستی	بازاندیشی	۱۷
	دغدغه ذهنی درمورد رابطه با جنس مخالف، دغدغه ذهنی درمورد جنس مخالف در کلاس، خانه، عروسی و مهمانی	درگیری فضای ذهنی	۱۶
نوجوانان دختر	وابستگی به رابطه، سیرشدن از رابطه، ضرورت ارتباط	وابستگی	۱۷
	قدرت، احترام، نفوذ	منزلت اجتماعی	۱۵
	دوست‌پسرهای متعدد، رابطه کوتاه با جنس مخالف	تنوع‌طلبی	۱۴
	احساس شادی، احساس لذت، احساس آرامش	آرامش عاطفی	۱۷
	رابطه عاشقانه متعهدانه، کاهش روابط جنسی	بازاندیشی	۱۶
اضطراب بر ملاشدن گذشته، ناموس‌پرستی مردها	ترس از ازدواج	۱۵	

در این پژوهش، برای سهولت مقایسه پیامدهای رابطه با جنس مخالف، پیامدها در دو دسته مشترک و متفاوت دسته‌بندی شدند.

پیامدهای مشترک

پیامدهای مشترک ناشی از رابطه با جنس مخالف در میان نوجوانان دختر و پسر عبارت‌اند از: آرامش عاطفی، وابستگی، درگیری فضای ذهنی، تنوع‌طلبی و بازان‌دیشی.

آرامش عاطفی

به‌زعم باومن، مردم جامعه سیال مدرن، رابطه را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و به دلایل سوداگرانه مانند کمک سریع در هنگام نیاز، یاری در هنگام اندوه، همراهی در تنهایی، تسلی در هنگام شکست، تحسین هنگام پیروزی، فرار از ناراحتی و ارضای فوری یک نیاز مانند نیاز جنسی، با دیگران رابطه برقرار می‌کنند (باومن، ۱۳۸۴: ۳۷). تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد مسائل خاص خانواده‌هایشان و تأثیرپذیری از عواملی مانند گروه دوستان سبب شده است که نوجوانان برای رفع مشکلات عاطفی خود به جنس مخالف پناه ببرند و آن‌ها را بهترین همدم و محرم اسرار خود ببابند و با آن‌ها به آرامش برسند. به عبارت دیگر، نوجوانان جنس مخالف را محرمی برای اسرار خود می‌بایند که می‌توانند با او درد دل کنند و مشکلاتشان را در میان بگذارند. گزاره‌های زیر در این زمینه نقل شده‌اند:

- پسر ۱۷ ساله: «به اهداف خودم رسیدم، به‌لحاظ عاطفی ارضا شدم، احساس لذت می‌کنم.»
- پسر ۱۶ ساله: «در رابطه با دخترها حس خوبی داشتم، از بودن باهاشون زیاد لذت بردم، همین مسئله باعث شد که همیشه با دخترها باشم.»
- دختر ۱۸ ساله: «وقتی با دوستم هستم احساس آرامش می‌کنم. به خودم می‌گم یکی هست که باهاش درد دل کنم. حتی فکر و خیالش بهم حس خوبی می‌ده.»
- دختر ۱۷ ساله: «هروقت که باهاش حرف می‌زنم، آرام می‌گیرم و هروقت هم باهاش می‌رم بیرون، اگرچه می‌ترسم که کسی ما رو نبینه، ولی باز لذت‌بخشه.»

وابستگی

با توجه به نظریه باومن، داشتن رابطه دارای پیامدهای مختلفی است. از جمله پیامدهای این رابطه در میان نوجوانان دختر و پسر در مشهد، وابستگی است. براساس مصاحبه‌ها، برقراری رابطه با جنس مخالف برای اولین بار لذت فراوانی را برای فرد به ارمغان می‌آورد؛ زیرا فرد تا به حال چنین

حس زیبایی را تجربه نکرده است؛ بنابراین، سعی می‌کند این رابطه را حفظ کند. به تدریج نوجوانان به دلیل تجربه رابطه عاطفی و جنسی و کسب لذت حاصل از آن، به این رابطه و لذت ناشی از آن خو می‌گیرند؛ به طوری که به بودن با جنس مخالف وابسته می‌شوند:

پسر ۱۷ ساله: «نمی‌تونم دوست دختر نداشته باشم. طاقت نمی‌آرم، خیلی سخته برام. حس بدی دارم. افسرده می‌شم وقتی با کسی نباشم.»

پسر ۱۸ ساله: «وقتی با کسی نباشم، اعصابم خورد می‌شه. خیلی خیلی سخته که با کسی نباشم. حتی وقتی قهر کنه، حتماً باید با کسی دیگه رابطه برقرار کنم، وگرنه نمی‌شه. نمی‌تونم طاقت بیارم.»

دختر ۱۸ ساله: «به خاطر اینکه تو این مدت که با این همه دوست بودم، تا حالا نشده بود که تنها بمونم و اگر هم تنها بودم، مدتش زیاد نبوده. برای همین برام یه عادت شده و اگه تنها بمونم به هم می‌ریزم.»

دختر ۱۷ ساله: «برام شده یه عادت روزانه، نمی‌تونم تنها باشم. اگه با دوست پسر حرف نزنم یا پسر نباشه که باهاش حرف بزنم، کلافه می‌شم. نمی‌دونم چی کار کنم. یه دردی بهم دست می‌ده.»

درگیری فضای ذهنی

تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که همه مشارکت‌کنندگانی که تجربه رابطه با جنس مخالف را دارند، درگیری و دغدغه ذهنی زیادی دارند و گفتمان جنسیتی، یکی از مشغله‌های عمده آنها محسوب می‌شود. این درگیری ذهنی، همه‌جانبه است؛ به طوری که در همه محیط‌ها، ذهن و فکر مشارکت‌کنندگان را به خود جلب کرده است. مهم‌ترین محیط‌هایی که در آنها فضای ذهنی مشارکت‌کنندگان، معطوف به جنس مخالف است، عبارت‌اند از: کلاس درس، خانه، مهمانی، جشن‌ها و عروسی‌ها. این درگیری فضای ذهنی، برای مشارکت‌کنندگان مشکلات متعددی را فراهم کرده است:

پسر ۱۷ ساله: «تو خونه و مهمونی‌ها خیلی بهش فکر می‌کنم؛ مثلاً می‌گم کاشکی الان اینجا بود یا الان داره چی کار می‌کنه. آیا می‌تونم بهش زنگ بزنم یا بهش اس‌ام‌اس بدم؟»

پسر ۱۷ ساله: «وقتی معلم درس می‌ده، فکرم پیش اونه. خیلی دغدغه ذهنی دارم که کجاست، داره چی کار می‌کنه، کی بهش اس‌ام‌اس بدم، کی بهش زنگ بزنم.»

دختر ۱۶ ساله: «دوست دارم هر جا که می‌رم اون هم باشه. وقتی تو مهمونی هستم و پسرهای فامیل رو می‌بینم، می‌گم چی می‌شد که اون هم اینجا بود.»

دختر ۱۷ ساله: «همه‌ش اونو تصور می‌کنم. به‌محض اینکه تنها می‌شم می‌آد تو ذهنم. تو تنهایی‌هام همه‌ش بهش فکر می‌کنم. بعضی وقتا این فکر و خیال‌ها نمی‌ذاره درسامو بخونم.»

منزلت اجتماعی

براساس نظریهٔ وبر، کنش افراد در جامعهٔ مدرن، مبتنی بر عقلانیت معطوف به هدف است و افراد در تعامل اجتماعی با دیگران، براساس دستیابی به اهداف شخصی خود به کنش می‌پردازند. کسب منزلت اجتماعی، یکی از اهدافی است که برخی از جوانان، در راستای دستیابی به آن، با دیگران به کنش می‌پردازند. نوجوانان با برقراری رابطه با جنس مخالف، در گروه‌های دوستی منزلت کسب می‌کنند و می‌توانند ابراز وجود کنند. البته کسب منزلت در گروه‌های دوستی معیارها و شاخص‌هایی نیز دارد. تجربهٔ زیاد رابطه با جنس مخالف یا داشتن تجربهٔ هم‌زمان با چند نفر از جنس مخالف، از جمله شاخص‌ها و معیارهای کسب منزلت در گروه‌های دوستی به‌شمار می‌آید.

پسر ۱۷ ساله: «می‌دونی چطوری؟ هرکی بین دوستان تعداد دوست‌دخترهاش بیشتر باشه آقاره، تواناتره.»

پسر ۱۷ ساله: «اینکه با چند نفر هم‌زمان رابطه داشته باشی، فقط به‌خاطر اینه که بگن فلانی با چند نفر هم‌زمان رابطه داره. آخه این چیزها بین ما به نوع افتخاره و باعث می‌شه که بچه‌ها بیشتر تحویل بگیرن.»

دختر ۱۷ ساله: «همهٔ دوستانم از دوستاشون حرف می‌زدن. منم احساس می‌کردم چیزی از اونا کم دارم. به همین خاطر وقتی پسری دنبالم افتاد و دیدم خوبه، قبول کردم.»

دختر ۱۶ ساله: «بچه‌ها بودن با یک یا چند پسر رو زرنگی می‌دونستن و می‌گفتن فلانی خیلی زرنگه. منم دوس داشتم بهم بگن خیلی زرنگه و تحویل بگیرن.»

تنوع طلبی

باومن معتقد است در جامعهٔ سیال مدرن، افراد هیچ‌گونه پیوند ناگسستنی و همیشگی ندارند و خواهان پیوندهای سست و بی‌قیدوبند و متعدّدند (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰). این تمایل، همان میل به تنوع‌طلبی است. تنوع‌طلبی، تجربه‌کردن پدیده‌های مختلف و متنوع، و خسته‌شدن از پدیده‌های یکسان و همیشگی است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد عواملی مانند بی‌وفایی، نداشتن صداقت و مقایسهٔ فرد با دیگرانی که از خصوصیات بهتری برخوردارند، سبب می‌شود این افراد (دختر یا پسر) در مدت نه‌چندان طولانی از یکدیگر خسته و سرانجام جدا شوند. از سوی دیگر، به‌دلیل

وابستگی به داشتن رابطه با جنس مخالف، بار دیگر با فرد جدیدی رابطه برقرار می‌کنند و این روند بارها تکرار می‌شود؛ به گونه‌ای که افراد، در مدت اندک تجربه‌های متفاوتی از جنس مخالف به دست می‌آورند:

پسر ۱۷ ساله: «تا الان با بیش از پنج نفر رابطه داشتم. الان هم با دو نفر هستم، هم‌زمان.»
پسر ۱۶ ساله: «ازشون سیر می‌شدم. آخه دوست‌دختر زیاد داشتم. اون‌ها هم از من سیر می‌شدند. دو نفر دیگه رو می‌دیدند، ازش خوششون می‌اومد و من رو تنها می‌گذاشتند. من هم همین‌طور. ازشون خسته می‌شدم و یه زید جدید می‌گرفتم.»
دختر ۱۷ ساله: «به پسرها اعتماد ندارم. چون احساس کردم ممکنه دوست‌پسرم بهم خیانت کنه و منو تنها بذاره، با یکی دیگه هم دوست شدم که هیچ‌وقت تنها نشم.»
دختر ۱۹ ساله: «بعضی از دوستام با چند نفر بودن و ادعاشون می‌شد و خودشونو از همه سرتر می‌دونستن. من هم با چند نفر هم‌زمان دوست شدم. البته با دو نفر.»

بازاندیشی

بازاندیشی یکی از مفاهیم کلیدی در این پژوهش است که از گیدنز اقتباس شده است. گیدنز بازاندیشی را معرف هرگونه کنش انسانی می‌داند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد بیشتر مشارکت‌کنندگان، درمورد رابطه با جنس مخالف در تجربه‌های قبلی خود بازاندیشی می‌کنند و معتقدند که ادامه رابطه با جنس مخالف به منوال گذشته، موجب تکرار پیامدهای ناگوار آن می‌شود؛ بنابراین، در تجربه‌های بعدی خود از راهبردهای مختلفی بهره برده‌اند. در این راستا، نوجوانان پسر از دو راهبرد خاص استفاده کرده‌اند. اولین راهبرد، «رابطه جنسی صرف» است. آن‌ها معتقدند که از یک سو درصد رابطه با جنس مخالف هستند و از سوی دیگر می‌خواهند که دچار وابستگی عاطفی، افسردگی و گوشه‌گیری بعد از جدایی نیز نشوند؛ بنابراین، در رابطه‌های بعدی با جنس مخالف، فقط ارضای میل جنسی (بدون روابط عاطفی) را مدنظر قرار داده‌اند.

دختر ۱۷ ساله: «وابستگی به دختر خیلی خیلی شدیدتره. اصلاً هم فراموش نمی‌شه. به همین خاطر سعی می‌کنیم دفعات بعد وابسته نشیم، فقط در حد یه دوستی و یه رابطه...»
پسر ۱۷ ساله: «فقط دوست دارم رابطه جنسی و دوستانه داشته باشم. چون می‌ترسم صمیمی بشیم و بعد جدا بشیم و دوباره این افسردگی و گریه و زاری شروع بشه.»

دومین راهبرد، «راهبرد جایگزین» است. مشارکت‌کنندگان معتقدند برای آنکه بعد از جدایی از جنس مخالف به مشکلات ناشی از میل جنسی و وابستگی به جنس مخالف دچار نشوند، همواره

با بیشتر از یک نفر از جنس مخالف رابطه برقرار می‌کنند تا در صورت جدایی یک نفر، جایگزینی وجود داشته باشد که نیاز جنسی آن‌ها را برطرف سازد.

پسر ۱۷ ساله: «من همیشه با چند نفر هستم. به‌خاطر اینه که اگه با کسی به هم زدم، کس دیگه‌ای جاش باشه و یهو تنها نشم.»

پسر ۱۶ ساله: «اینکه هم‌زمان با چند نفر رابطه دارم، به‌خاطر اینه که اگه بخوام رابطه جنسی داشته باشم، اگه یکیشون نبود، یکی دیگه باشه که نیازم رو باهش برطرف کنم.»

در مورد نوجوانان دختر نیز تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که بیشتر مشارکت‌کنندگان دختر در تجربه‌های قبلی در ارتباط با جنس مخالف خود بازاندیشی کرده‌اند و معتقدند که ادامه رابطه با جنس مخالف به منوال گذشته، موجب تکرار پیامدهای ناگوار آن می‌شود؛ بنابراین، در تجربه‌های بعدی خود از دو راهبرد بهره برده‌اند. البته راهبردهای برآمده از بازاندیشی نوجوانان دختر به دلیل شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و جنسیتی آن‌ها، با راهبردهای نوجوانان پسر متفاوت است. اولین راهبرد، «کاهش روابط جسمی - جنسی» است. آن‌ها معتقدند که پسرها در دوستی با دخترها فقط به دنبال لذت جنسی هستند و ابراز عشق، فقط یک ابزار فریبنده است. این امر موجب شده است که نوجوانان دختر در ادامه دوستی خود با نوجوانان پسر بسیار محتاطانه عمل کنند و اجازه سوءاستفاده جنسی را به پسرها ندهند.

دختر ۱۹ ساله: «رابطه دوستیم با پسرها بهم نشون داده که اکثر پسرها دنبال میل جنسی هستن و ازم سوءاستفاده می‌کنن. البته خودشون زیر بار این حرف نمی‌رن، اما بهم ثابت شده. به همین خاطر مدتی تصمیم گرفتم که زیاد به دوست پسرهام رو ندم و با هر پسری هم دوست نشم. تو دوستی هم خیلی احتیاط می‌کنم و رابطه جسمی رو خیلی کم کردم؛ چون که پسرها نامردی زیاد می‌کنند.»

دختر ۱۸ ساله: «پسرها با عشق و حرفای عاشقانه می‌آن جلو، ولی بعدش چیزهای دیگه ازمون می‌خوان. از وقتی متوجه این قضیه شدم، خیلی ناراحت شدم. اگه هم الان با کسی هستم، به‌خاطر اینه که عادت کردم بهشون، ولی بهشون گفتم ازم هیچی نخوان.»

دومین راهبرد، «رابطه دوستی هم‌زمان» است. مشارکت‌کنندگان معتقدند برای آنکه بعد از جدایی از جنس مخالف به مشکلات ناشی از وابستگی به جنس مخالف دچار نشوند، همواره با بیشتر از یک نفر از جنس مخالف رابطه دوستی صرف (نه رابطه عاشقانه) برقرار می‌کنند تا در صورت جدایی یک نفر جایگزین وجود داشته باشد.

دختر ۱۷ ساله: «تا حالا با چند نفر دوس بودم. دوستشون داشتم. باورشون داشتم، ولی بعد از مدتی بهم خیانت کردن و ازشون جدا شدم. خیلی برام سخت بود، خیلی گریه کردم. آخه بهشون وابسته بودم و رابطه عاشقانه زیاد باهاشون داشتم. دیگه تصمیم گرفتم اگه با کسی دوست شدم، ابراز عشق نکنم؛ فقط دوستی بدون عشق داشته باشم. آخه می‌دونم اینم می‌ره، همه مردا سروته یه کرباسن؛ چرا دوباره خودمو بهشون وابسته کنم؟ الان هم با دو نفر رابطه دارم که اگه یکی شون رفت، آب از آب تگون نخوره.»

دختر ۱۹ ساله: «الان با دو نفر هم‌زمان رابطه دارم، ولی به هیچ کدومشون هم عشق نمی‌ورزم. فقط دوست دارم سرگرم بشم.»

نکته شایان توجه آن است که بازاندیشی که در نوجوانان دختر، با بازاندیشی نوجوانان پسر متفاوت است. در این بازاندیشی، نوجوانان دختر تصمیم دارند که دوستی با جنس مخالف را به‌خاطر لذت‌بخش بودن و وابستگی به جنس مخالف ادامه دهند، اما شکل دوستی را به نفع خود تغییر دهند و از سوءاستفاده جنسی پسرها جلوگیری کنند.

مقوله‌های متفاوت

این گروه از مقوله‌ها به دو دسته مقوله‌های متعلق به نوجوانان دختر و مقوله‌های مربوط به نوجوانان پسر است.

الف) مقوله‌های مربوط به نوجوانان پسر

مشکلات آموزشی

منظور از مشکلات آموزشی، مشکلاتی است که به موضوع آموزش نوجوانان در محیط مدرسه مربوط می‌شود. دانش‌آموزانی که رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند، به دلیل اولویت قائل شدن برای رابطه با جنس مخالف، نسبت به یادگیری مطالب درسی مرتکب تأخیر و غیبت متعدد می‌شوند و روزهایی که در کلاس درس حاضرند، اگرچه حضور فیزیکی دارند، حواس و ذهن آن‌ها همراه با جنس مخالف است؛ بنابراین، یادگیری در آن‌ها صورت نمی‌گیرد. تأخیر، غیبت، حواس‌پرتی و نداشتن مطالعه موجب می‌شود که نوجوانان در امتحانات پایان‌ترم نیز نمره لازم برای قبولی در یک یا چند درس کسب نکنند. مهم‌ترین مشکلات آموزشی در این رابطه عبارت‌اند از: تأخیر، غیبت، حواس‌پرتی و مردودی.

پسر ۱۷ ساله: «من تو درس‌هام زرنگ بودم، ولی پارسال درس فیزیک افتادم، فقط به خاطر این کارها.»

پسر ۱۶ ساله: «کلاً به خاطر دخترها از درس‌ها عقب افتادم. پارسال چهار درس افتادم، تأخیر و غیبت زیاد داشتم. پارسال یک ماه کامل مدرسه نیومدم. وقتی معلم درس می‌ده، مدام به اون‌ها فکر می‌کنم.»

پسر ۱۶ ساله: «واسه همین دختربازی‌ها از درس و مدرسه افتادم؛ مثلاً تا ساعت ۲ کلاس داشتم، از ساعت ۱۲ فرار می‌کردم؛ چون که باهاشون قرار داشتم. بعضی وقتا که خونه خالی بود، کلاً مدرسه نمی‌رفتم. خیلی غیبت کردم، امسال تجدید شدم، ۵-۶ تا تجدید گرفتم به خاطر همین رابطه با دخترها.»

لذت جنسی

براساس نظریهٔ ماکس وبر، برآوردن امیال جنسی یکی از اهدافی است که برخی از جوانان در راستای دستیابی به آن به صورت هدفمند به کنش می‌پردازند (عقلانیت معطوف به هدف). علاوه بر این، عوامل مهم دیگری مانند شرایط خاص سنی، تسلط شرایط زندگی مدرن بر خانواده‌ها، سریال‌های عاشقانه داخلی و خارجی، بحث‌های رایج در گروه دوستان در مورد روابط جنسی و دسترسی به فناوری‌های نوین ارتباطی، همگی سبب پیدایش انگیزهٔ تجربهٔ جنسی برای جوانان شده است. همین امر موجب می‌شود که افراد در رابطه با جنس مخالف، رابطهٔ جنسی و لذت جنسی را نیز تجربه کنند. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که میل جنسی، انگیزه‌های جنسی و ارضای آن، از جمله دلایلی است که کنش و اعمال انسانی را به سوی برقراری رابطه با جنس مخالف هدایت می‌کند و گاهی تنها دلیل برقراری رابطه، ارضای این میل سرکش بوده است.

پسر ۱۷ ساله: «الان هدفم فقط میل جنسیه. تو این مدت که رابطه داشتم، بهم احساس لذت می‌داد. تا موقعی که زن بگیرم، این رابطه رو ادامه می‌دم.»

پسر ۱۶ ساله: «وقتی که رابطه جنسی انجام می‌دم، بسیار خوشحالم. بهم لذت می‌ده، اعصابم آرومه، تأثیرات مثبت داره، ولی وقتی رابطه جنسی با کسی ندارم، اعصابم خورده و با خانوادم دعوا می‌کنم.»

پسر ۱۶ ساله: «با دختر بودن نه تنها بهم احساس آرامش می‌ده و از تنهایی نجاتم می‌ده، به- لحاظ جنسی هم ارضام می‌کنه.»

میل به مجرد

باومن معتقد است که رابطه با جنس مخالف، دارای جنبه‌ها و پیامدهای مختلفی است (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱). یکی از پیامدهای رابطه با جنس مخالف، میل به مجرد است. منظور از میل به مجرد آن است که رابطه نامتعارف با جنس مخالف، علی‌رغم آرامش عاطفی و لذت جنسی آن، موجب شده است که گرایش به ازدواج کاهش یابد و تردید در این امر در نوجوانان پدید آید. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که ارتباط نوجوانان در گروه دوستان، امکان شناخت جنس مخالف (دخترها) را برای آن‌ها فراهم کرده است؛ یعنی آن‌ها به این شناخت رسیده‌اند که دخترها مانند پسرها از یکسو، تجربه عاطفی و جنسی و از سوی دیگر، مقوله تنوع‌طلبی را تجربه کرده‌اند یا تجربه می‌کنند. از آنجاکه در ایران هنوز مقوله عفت و پاکدامنی دختران به مثابه یکی از معیارهای ازدواج پابرجاست، نوجوانان از بیم آنکه مبدا تجربه نامتعارف همسر آینده‌شان موجب شرمساری آن‌ها در جامعه شود یا مبدا با خیانت همسر مواجه شوند، میل به مجرد در آن‌ها پدید آمده است:

پسر ۱۸ ساله: «ما همه الان می‌دونیم که در این شهرک کدوم دختر با کدوم پسر، یا کدوم پسر با کدوم دختره. حتی می‌دونیم که رابطه‌شون چه جوریه! چه کارهایی با هم کردن، همه اینا رو به هم خبر می‌دیم. اصلاً کارمون همینه. می‌شینیم درمورد اینکه کی با کیه، با هم چی کار کردن حرف می‌زنیم. به هر دختری نگاه می‌کنم، به کسی رو برای خودش داره. الان کمتر کسی پیدا می‌شه دوست پسر نداشته باشه، خوب من با کی ازدواج کنم؟»

پسر ۱۷ ساله: «می‌ترسم با کسی ازدواج کنم، فردا برام معلوم بشه که با کسی دیگه دوست بوده و باهاش رابطه اون جوریه داشته. اگه این طوری باشه نمی‌تونم طاقت بیارم. یه بلایی سرش میارم.»

پسر ۱۷ ساله: «می‌دونی چیه؟ الان همه دخترها زید دارن و یه جورایی عاشق همدیگه‌ن. اگه من فردا با یکی از این دخترا ازدواج کنم ولی اون هنوز با زید قبلیش رابطه داشته باشه می‌کشمش. به همین خاطر می‌ترسم که زنم بهم خیانت کنه و آبروم بره. به همین خاطر نمی‌خوام ازدواج کنم.»

ب) مقوله‌های مربوط به نوجوانان دختر

ترس از ازدواج

براساس نظریه مبادله، محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد (خواه اجتماعی و خواه فیزیکی)، از رفتار تأثیر می‌پذیرد و رفتار نیز به نوبه خود به روش‌های گوناگون بازخورد دارد. این واکنش (مثبت، منفی

و خشتی)، بر رفتار بعدی کنشگر نیز تأثیرگذار است. ترس از ازدواج، از جمله پیامدهایی است که برآمده از روابط نوجوانان دختر با جنس مخالف است. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که نوجوانان دختری که رابطه با جنس مخالف را برای مدت زیاد و با افراد مختلف تجربه کرده‌اند، نوعی «ترس از ازدواج» در آن‌ها به وجود آمده که مبدا رابطه با جنس مخالف پیش از ازدواج، بر ازدواج آن‌ها و زندگی متأهلی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد؛ بنابراین، از ازدواج کردن می‌ترسند.

دختر ۱۸ ساله: «یه روز تو خیابون با همکلاسی‌هام بودم که چند تا پسر ما رو دنبال کردن. یکی از پسرها به دوستاش گفت اون یکیشونو می‌شناسم، مدتی با فلان پسر بود. وقتی اینو شنیدم، یه کم ترس وجودمو گرفت و به خودم گفتم اگه فردا ازدواج کنم و یه نفر نامرد این حرفو به شوهرم یا خانواده‌ش بگه چی کار کنم. به همین خاطر وقتی تو خونه از ازدواج حرف می‌زنن، می‌ترسم.»

دختر ۱۷ ساله: «حقیقتش رابطه من با دوستام رابطه سالمیه، ولی مدتی این ترس به دلم اومده که همین کارا فردا برای زندگیم دردسر ایجاد کنه.»

نتیجه‌گیری

مطابق نتایج، پدیده رابطه با جنس مخالف در میان نوجوانان دارای پیامدهای متعدد و متناقض است. برخی از این پیامدها در میان نوجوانان دختر و پسر مشترک و برخی دیگر از آن‌ها، متفاوت است. پیامدهای مشترک این رابطه در میان نوجوانان دختر و پسر عبارت‌اند از: درگیری فضای ذهنی، وابستگی، تنوع‌طلبی، بازاندیشی و لذت عاطفی. این پیامدها بیانگر آن هستند که ذهن نوجوانان امروزی به اموری مانند دوستی معطوف شده است و نوجوانان به دلیل لذت‌بخش بودن این روابط به آن عادت کرده‌اند و تنوع‌طلب شده‌اند. «پیامدهای متفاوتی» که نوجوانان پسر در رابطه با جنس مخالف تجربه میکنند عبارت است از: لذت جنسی، میل به مجرد و مشکلات تحصیلی-آموزشی و برای نوجوانان دختر نیز ترس از ازدواج است؛ بنابراین، نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که شرایطی مانند مشکلات عاطفی نوجوانان از یک سو، و فضای سرد خانواده‌ها و ارزش‌های گروه‌های دوستی از سوی دیگر، موجب شده است که نوجوانان به برقراری رابطه با جنس مخالف اقدام کنند و با تأثیرپذیری از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، این رابطه را با تماس جسمی و رابطه جنسی تجربه کنند. لذت‌بخش بودن این رابطه و وابستگی عاطفی به جنس مخالف سبب شده است که فضای ذهنی نوجوانان، با رابطه با جنس مخالف درگیر شود. لذت عاطفی و جنسی ناشی از تجربه رابطه جسمی و جنسی سبب می‌شود که

نوجوانان پسر این رابطه را حفظ کنند، اما با عواملی مانند بی‌وفایی و مقایسه‌کردن با افراد دیگر و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، این افراد در مدت‌نه‌چندان طولانی از یکدیگر خسته یا اشباع می‌شوند و از هم جدا می‌شوند، اما از آنجاکه به لذت عاطفی و جنسی و رابطه با جنس مخالف وابسته شده‌اند و ترک این وابستگی برایشان دشوار است، به برقراری رابطه با فردی دیگر از جنس مخالف اقدام می‌کنند؛ به طوری که به دلیل وجود افراد جایگزین، موفق به پیدا کردن دوست جدیدی می‌شوند و این روند بارها تکرار می‌شود. در نهایت، چرخه رابطه با جنس مخالف سبب می‌شود که نوجوانان در مدت اندکی تجربه‌های متفاوتی از جنس مخالف به دست بیاورند و پیامدهای منفی و مثبت آن را هم‌زمان تجربه کنند. آنان با تجربه پیامدهای رابطه با جنس مخالف به این نتیجه می‌رسند که ادامه رابطه با جنس مخالف به منوال گذشته، به تکرار پیامدهای ناگوار آن منجر می‌شود. به همین دلیل، در رابطه با جنس مخالف بازاندیشی می‌کنند و درصدد رفع پیامدهای منفی آن برمی‌آیند. در این راستا، راهبردهای مختلفی را در زمینه رابطه با جنس مخالف اتخاذ می‌کنند و رابطه با جنس مخالف را در اشکال جدیدی ادامه می‌دهند. البته این راهبردها برای نوجوانان دختر و پسر متفاوت است.

الگوی برآمده از داده‌ها بیانگر آن است که رابطه با جنس مخالف دارای پیامدهای مثبت (آرامش عاطفی) و منفی (مشکلات آموزشی، تجربه جنسی و...) متعددی برای نوجوانان دختر و پسر است. همین امر سبب شده است که نوجوانان براساس تجربه و اطلاعات ناشی از آن، در این رابطه بازاندیشی کنند. غلبه پیامدهایی مانند وابستگی، کسب منزلت اجتماعی، آرامش عاطفی و لذت جنسی این‌گونه روابط سبب شده است که نوجوانان در جهت حفظ آن در اشکال مناسب‌تری برآیند و راهبردهای جدیدی را در این زمینه در پیش بگیرند. اتخاذ راهبردهای جدید توسط نوجوانان، به بازتولید رابطه با جنس مخالف در اشکال جدیدی از جمله «رابطه دوستی هم‌زمان» در جامعه انجامیده است. به عبارت دیگر، نوجوانان از طریق تجربه جنسی و آرامش روحی و ارزشی‌کردن، رابطه با جنس مخالف را در جامعه بازتولید می‌کنند.

تحلیل پیامدهای رابطه با جنس مخالف در دوره نوجوانی بیانگر آن است که این گروه از نوجوانان مشهودی، پیامدهای رابطه با جنس مخالف را در ابعاد و اشکال مختلف و متناقض تجربه می‌کنند. چنین نتیجه‌ای، با نظریه عشق سیال زیگموند باومن همخوانی دارد. از نظر زیگموند باومن، رابطه یکی از دغدغه‌های جامعه مدرن سیال است و افراد به دنبال رابطه با دیگری هستند. به‌زعم باومن، رابطه دارای جنبه‌های مثبت و منفی است، اما انسان‌های امروزی، روابط را تنها با

خوبی‌های آن می‌خواهند و نه با مشکلاتش؛ بنابراین، روابط امروزی ناپایدار و سیال‌اند و هیچ‌گونه تعهد و پایداری در آن‌ها وجود ندارد (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۵). همچنین نتایج تحقیق بیانگر آن است که این گروه از نوجوانان، در رابطه با جنس مخالف در پی اهداف شخصی هستند و بعد از کسب تجربه و اطلاعات برآمده از این تجربه، در آن بازاندیشی کرده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که نتایج این تحقیق، با نظریه کنش عقلانیت معطوف به هدف ماکس وبر و نظریه بازاندیشانه گیدنز هم‌راستاست. از سوی دیگر، به‌لحاظ تجربی، نتایج تحقیق حاضر با نتایج براون و همکاران (۲۰۰۶)، الکساندر و همکاران (۲۰۰۶)، آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰) خلج‌آبادی فراهانی و مهریار (۱۳۸۹) همخوانی دارد. نتایج این پژوهش‌ها نیز بیانگر آن است که رابطه جوانان با جنس مخالف در دوران پیش از ازدواج، به پیامدهای مختلفی از قبیل روابط صمیمانه فیزیکی، روابط جنسی و شکل‌گیری الگوهای روابط ضدعاشقانه و عشق سیال منجر می‌شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، شماره ۲: ۴۳۵-۴۶۲.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایناری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۰)، «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، شماره ۲: ۱-۳۴.
- استراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۰)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشرنی.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵)، *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد حاضری و همکاران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴)، *عشق سیال؛ در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.
- پاشا، ابراهیم (۱۳۸۶)، «از سازمان رسمی تا بوروکراسی»، *علوم اجتماعی*، شماره ۱۲: ۸۱-۹۹.
- خلج‌آبادی، فریده؛ کاظمی‌پور، شهلا و رحیمی، علی (۱۳۹۲)، «بررسی معاشرت با جنس مخالف پیش از ازدواج بر سن و تمایل به ازدواج در دانشجویان شهر تهران»، *خانواده‌پژوهی*، شماره ۳۳: ۲۸-۷.
- خلج‌آبادی، فریده و مهریار، امیرھوشنگ (۱۳۸۹)، «بررسی نقش خانواده در ارتباط با جنس مخالف در دختران دانشجو در تهران»، *خانواده‌پژوهی*، شماره ۲۴: ۴۴۹-۴۶۸.

- رفاهی، زاله؛ گودرزی، محمود و میرزایی چهارراهی، مرتضی (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران دانشجوی»، *جامعه‌شناسی زنان*، شماره ۱: ۱۱۷-۱۳۳.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و سلیمانی، زکیه (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۴۵: ۳۳۹-۳۶۵.
- سایت مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، *دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری*.
<http://www.amar.org.ir>
- کوزر، لوییس (۱۳۸۶)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوزر، لوییس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷)، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشرنی.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۵)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- گیلدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- موحد، مجید و عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵). «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی بین دو جنس پیش از ازدواج»، *مطالعات زنان*، شماره ۱: ۶۷-۹۹.
- Alexander, M.; Grade, L.; Kanade, S.; Shireen, J.; Bela, G (2006), "Romance and Sex: Premarital Partnership Formation among Young Women and Men", **Reproductive Health Matters**, No 14: 144-155.
- Brown, S.; Sanchez, L.; Nock, S. Deines, J.; Wright, J (2006), "Links between Premarital Cohabitation and Subsequent Marital Quality, Stability, and Divorce: A Comparison of Covenant versus Standard Marriages", **Science Research**, No 35: 456-470.
- Chiao, C. (2010), "Community Context and the Prevalence of Premarital Sex among Young Women in Keniya and the Phillippines: Trends and Differences 1993 to 2003", **Health and Place**, No 16: 512- 522.
- Glaser, B. and Strauss, A. (2014), "Muslim Adulscents Moral Value and Coping Strategy among Muslim Female Adolescent in Premarital Sex", **Procedia – Social and Behaviaorial Sciences**, No 114: 427-433.

- Glaser, Barney. G and Strauss, Anselm.L (1967), **The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitive Research**, Aldintransaction a Division of Transaction Publishers, New Brunswick (U.S.A) and London.
- Gue, W.; Wu, Z.; Qiu, Y.; Chen, G.; Zhang, X (2012), “The Timing of Sexual Amokg Chinese Youth”, **International Perspective on Sexual and Reproductive Health**, No 38: 196- 204.